

Mentored Persian Dictation Exercise 16b  
Five College Center for the Study of World Languages  
New Exercises – August 2011

هدیه ی تولد

به آخر خیابان رسیدم. دوستم را دیدم. به او گفتم: می دانی فروشگاه شادمان کجاست؟ به من گفت: چه می خواهی؟ گفتم برای جشن تولد دوستم هدیه می خواهم؛ هدیه ای برای روز تولد دوستم، حامد.

گفت: حامد کیه؟

کیه = کیست

منه = من است

گرون = گران

آرزون = ارزان

نداره = ندارد

خوبه = خوب است

اوست = او است

گفتم: حامد همکلاسی ی منه؟

گفت: چه هدیه ای می خواهی؟ گرون یا آرزون؟

گفتم: نه خیلی گرون و نه آرزون.

گفت: مثلاً؟ گفتم: یک کیف پول خیلی قشنگ، چون کیف پول خوبی نداره.

گفت: خیلی خوبه. من فکر کنم که این بهترین هدیه برای اوست.

Birthday Gift

I arrived at the end of the street. I saw my friend. I told him: do you know where Shadman shop is? He told me: what do you want? I said: I want a gift for my classmate's birthday party; a gift for my friend's, Hommed, birthday.

He said: who is Hommed? I said: Hommed is my classmate.

He said: what kind of gift do you want? Expensive or cheap? I said: not expensive not cheap!

He said: like what? I said: a beautiful valet, because he does not have a good one.

He said: it is very good. I think it is the best gift for him.